

۶

دکوراتور محله جنت
در باره تأثیر این شغل
بر فضاهای مختلف
مسکونی و تجاری
می گوید

**کهنه بدهید
نو تحویل بگیرید**



۷

برخی به بیمار شدن مادران می زنند

۸

بیمارستان های بدون پارکینگ

ناگفته های عملیات مرصاد از زبان سیدعلی حیدری رزمنده دیروز

حماسه نیمروز

۵۶۴



قول رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه به کسبه شهرک صنعتی طرق آسفالت «کارآفرین» ۶ تا پایان تابستان



سعید جلائیان | حدود ۲۰ سال از ایجاد شهرک صنعتی طرق می گذرد. با وجود این هنوز برخی مشکلات همچون خاکی بودن معابر مانده کارآفرین ۴ تا ۶ باقی مانده است. تعدادی از کسبه شهرک صنعتی طرق با اشاره به خاکی بودن این معبر و تردد روزانه ده ها خودرو و سنگین از مشکلات زیست محیطی کله مند هستند؛ این در حالی است که آنان در اواخر سال گذشته سهم مشارکت خود را برای آسفالت این معابر به شهرداری منطقه پرداخت کرده اند و به دنبال دلیل عملی شدن این پروژه هستند.

پیش کسبه بدقول شدیم

خیابان های کارآفرین ۴ تا ۶ محل فعالیت چندین گاراژ و تعمیرگاه خودرو و سنگین است و هر روز وسایل نقلیه سنگینی از تمام نقاط شهر و حتی استان برای تعمیر به این خیابان مراجعه می کنند. تردد چنین خودروهایی از این معبر خاکی سبب بلند شدن گردوغبار از خیابان می شود که بخشی از آن وارد مغازه ها و دستگاه تنفسی کسبه می شود. برای حل مشکلات بسیار این معبر در اواخر سال گذشته، هیئت امنای شهرک صنعتی طرق دست به کار شدند و آمادگی خود را به شهرداری منطقه برای مشارکت در عملیات آسفالت این معبر ۴ هزار متری اعلام کردند. رئیس هیئت امنای شهرک صنعتی طرق در باره وضعیت این معبر خاکی توضیح می دهد:

محمد پوریان می گوید: ما از کسبه درخواست کردیم برای هر متر از واحد تجاری خود که در حاشیه خیابان قرار دارد ۲۹۵ هزار تومان پرداخت کنند. با کمک و همکاری کسبه موفق شدیم پول مورد نیاز را در اواخر سال گذشته جمع آوری کنیم. هم زمان نیز اداره فنی و عمران شهرداری منطقه در اسفند سال گذشته کار زیرسازی و جدول کشی این معبر را شروع کرد. اما با اتمام آن کارگران رفتند.

مدیر هیئت امنای شهرک صنعتی طرق اضافه می کند: قرار بود این کار در نهایت تا اواخر فروردین انجام شود و ما به کسبه قول انجامش را دادیم اما حالا پس از ۴ ماه کسبه دائم پیگیر زمان آسفالت این معبر هستند و می خواهند بدانند که چه زمان این اتفاق می افتد؟

جلب مشارکت و شرمندگی بعد از آن

محسن پور بافرانی از کسبه قدیمی خیابان کارآفرین ۶ برای جذب رضایت و مشارکت همسایگان در تأمین هزینه های آسفالت با آن ها به گفت و گو کرده است. وی با اشاره به ناراضی بودن اصناف از تحقق نیافتن وعده آسفالت، می گوید: با توجه به اینکه بیشتر واحدهای تجاری در اینجا گاراژ و کسبه آن مستأجر هستند بسیار تمایل به مشارکت نداشتند. من و هیئت امنای شهرک با اعتباری که داشتیم با آن ها صحبت کردیم. حتی مستأجران قبول کردند مشارکت کنند. کارگران به اینجا آمدند و کار را شروع کردند اما پس از زیرسازی و جدول کشی رفتند. آن روز ما ماندیم که چه پاسخی باید به کسبه معترض بدهیم که برای آسفالت پول پرداخت کرده اند.

آسفالت این معبر در اولویت است

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۷ در باره تمام نشدن آسفالت در این معبر می گوید: از اواخر سال گذشته کار زیرسازی و جدول کشی خیابان را انجام دادیم اما بعد از آن در تأمین آسفالت مورد نیاز ناتوان بودیم به همین دلیل تمام کار به وقفه افتاد.

محسن خادم پیر ضمن عذر خواهی از اصناف این معبر می افزاید: کسبه شهرک اطمینان داشته باشند که آسفالت این معبر در اولویت اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۷ قرار دارد و ما پس از تهیه آسفالت بلافاصله تا پیش از پایان فصل تابستان این پروژه را به پایان خواهیم رساند.

همسایگان مراکز درمانی از پارک خودروها و ترافیک محل زندگی شان گلایه دارند

بیمارستان های بدون پارکینگ



حمید صفائی | همسایگان بیمارستان سینا نبود پارکینگ و مسدود شدن پل های ورودی منازلشان به شدت شاکی هستند و کار به جایی رسیده است که ابتدای کوچه مقابل بیمارستان راه بندی درست کرده اند که به جز همسایگان کسی در آنجا پارک نکند. احمد حسین زاده یکی از ساکنان این محله می گوید: همسایگان بیمارستان هایی که پارکینگ ندارند باید از آن رنج ببرند. هر زمان که بخواهیم خودروی روبرو یا بیرون بیاوریم خودروی در مقابل پل پارک است و باید به دنبال صاحبش بگردیم. رضامحمدی از دیگر شهروندان محله جنت که در مقابل اورژانس عدالتیان ویز شک قانونی سکونت دارد هم از نبود پارکینگ در این مکان ها گلایه دارد و می گوید: زمانی که قرار است ساختمانی بسازیم، ملزم به تأمین پارکینگ هستیم اما چرا بیمارستان ها که مراجع کنندگان بسیاری دارند از این قانون مستثنا هستند.

نبود پارکینگ، مشکل بسیاری از محلات منطقه

نایب رئیس شورای اجتماعی محله سرشور نیز در این باره می گوید: احداث پارکینگ از جمله مواردی است که همه کاربری های شهری به وجود آن نیاز دارند و مشخص است در جامعه فعلی که خودروها روز به روز در حال افزایش هستند، وجود پارکینگ نیز به اندازه احداث جاده و پل اهمیت دارد و بخش جدایی ناپذیری از تأسیسات زیربنایی یک ساختمان است. کاظم عرفانیان می گوید: این مشکل فقط به یک الی ۲ بیمارستان در منطقه ما ختم نمی شود. بیمارستان موسی ابن جعفر، بیمارستان آریا، بیمارستان سینا، بیمارستان بنت الهدی، بیمارستان ثامن الائمه... که سال هاست در منطقه ۸ بنا شده اند بدون پارکینگ هستند و همسایه هایشان را به ستوه آورده اند. از طرف شورای اجتماعی محله سرشور و دیگر محلات بارها این موضوع را پیگیری کرده ایم، اما آن طور که متوجه شدیم این بناها در زمانی ساخته شده اند که مشکل پارکینگ و تعداد خودروها به این اندازه نبوده و پارکینگ هایی که دارند متناسب با زمان خودشان بوده است. در حال حاضر نیز با توجه به نبود فضای مناسب برای احداث پارکینگ و گرانی زمین امکان احداث آن نیست.

قیمت گران زمین، امکان ساخت پارکینگ را نمی دهد

رئیس اداره ناحیه یک شهرداری منطقه ۸ با اشاره به این موضوع که تمام بیمارستان های موجود در ناحیه یک حتی دیگر نواحی منطقه در گذشته ساخته شده اند می گوید: این مکان ها پارکینگ هایی متناسب با تعداد خودروهای آن زمان داشته و سازندگان پیش بینی خود و های امروزی را نداشته اند و اکنون که تعداد خودروها بیشتر از حد افزایش یافته مشکل پارکینگ هم به وجود آمده است. جعفر سیدزاده ادامه می دهد: پارکینگ سینا در خیابان ابن سینا با ظرفیتی زیاد برای بیمارستان امام رضا (ع) و اورژانس عدالتیان به طور مشارکتی بین شهرداری و دانشگاه علوم پزشکی ساخته شده و در حال بهره برداری است. متأسفانه با وجود اتصال این پارکینگ به سمت اورژانس عدالتیان برخی شهروندان حاضر به پارک خودرو در این پارکینگ نیستند و می خواهند در چند قدمی مسیری که مقصدشان است پارک کنند. وی در باره بیمارستان آریا و موسی بن جعفر نیز توضیح می دهد: این بیمارستان ها قدیمی ساز هستند و در حال حاضر با توجه به قیمت گران زمین امکان احداث پارکینگ ندارند. رئیس اداره ناحیه یک شهرداری منطقه ۸ با اشاره به این موضوع که اگر بیمارستانی بخواهد فضای درمانی اش را گسترش دهد ملزم به ساخت پارکینگ خواهد شد اما می دهد: در حال حاضر بیمارستان سینا را که در حال ساخت و ساز است ملزم به ساخت پارکینگ کرده ایم و قرار بر این است زمین مقابل ساختمان جهاد سازندگی را به پارکینگ تبدیل کنند. همچنین این بیمارستان در ۲ فاز اجرایی قرار است ساختمان های کنار و روبه روی بنای فعلی خودش را بسازد، پس از این ساخت و ساز: بنای کنونی (بیمارستان قدیمی) به پارکینگ تبدیل خواهد شد.

منطقه ۲

تجلیل از کسبه فنی

اعضای شورای اجتماعی محله مقدم به مناسبت دهه ولایت از کسبه نمونه مشاغل فنی این محله تجلیل کردند. نایب رئیس شورای اجتماعی محله مقدم گفت: به مناسبت فرارسیدن عید غدیر خم اعضای شورای اجتماعی تصمیم گرفتند در مسجد صاحب الزمان (عج) این محله از کسبه فنی و فعال این محله و شاگردان آن ها تجلیل کنند.

تخلیه نخاله ساختمانی

تخلیه ۴۸ تن نخاله ساختمانی و پاک سازی اراضی بایر در انتهای بولوار شهید دایی محله سیدی به همت اداره خدمات شهری منطقه ۷ انجام شد. در ساخت و سازهای انتهایی بولوار شهید دایی برخی مالکان این ساختمان ها بدون توجه به سلامت و حق سایر شهروندان اقدام به تخلیه نخاله های ساختمانی خود در زمین های بایر این محدوده کرده و مشکلاتی را برای سلامت شهروندان به وجود آورده اند.

جمع آوری تابلوهای نازیبا

۹۵۷ تابلو نازیبا از محله های قائم (عج)، خلیج، ثامن، کوشش و صبادر شهرداری منطقه ۷ جمع آوری شد. اصلاح و سامان دهی تابلوهای نازیبا با پیرایی تابلوهای فرسوده، پاک سازی دیوارهای نازیبا و تبلیغات غیر مجاز، جمع آوری تابلوهای غیر مجاز، صدور اخطار به جمع آوری تابلوهای دیوارنویسی های غیر مجاز و جمع آوری داربست های غیر مجاز در حوزه کاری خدمات شهری شهرداری است که به طور مستمر پیگیری و اجرایی شود.

ضد عفونی گاری های زباله

باشیوع و ویروس دلتا کرونا، خدمات شهری شهرداری منطقه ۷ علاوه بر ضد عفونی معابر و ایستگاه های اتوبوس منطقه اقدام به محلول پاشی و ضد عفونی روزانه گاری های جمع آوری زباله با استفاده از مواد سازگار با محیط زیست کرده است. به دلیل وجود ماسک های آلوده که شهروندان استفاده می کنند، شست و شو و ضد عفونی گاری های جمع آوری زباله در ایام شیوع کرونا می تواند تا حد زیادی از انتشار ویروس کرونا پیشگیری کند.

منطقه ۸

پروژه احداث مسیل

یکی از دغدغه های ساکنان محله بهشتی جاری شدن آب های سطحی از بولوار شهید ای رتشر و اراضی زکریا به بزرگراه شهید سردار سلیمانی و بولوار شهید نامجو بود. شهرداری منطقه اقدام به احداث کانال ۲ هزار و ۲۰۰ متری زنجیره مسیل های ارتفاعات جنوب کرد که این روزها با پیشرفت ۷۰ درصدی در حال اجراست. در این عملیات ۳۰ هزار متر مکعب خاکبرداری، ۵ هزار متر مربع دیوار بتنی و هزار و ۱۰۰ متر دال گذاری اجرا شده است.

گام پنجم طرح محله ما

شورای اجتماعی محله امام خمینی (ع) با موضوع بررسی گام پنجم طرح محله ما برگزار شد. در این جلسه پس از بررسی طرح محله ما مقرر شد مسجد ارشاد الرضاد را ابتدای خیابان الرشاد الرضای ۱۰ به عنوان مرکز محله مشخص شود. در هفته جاری بازدیدی با حضور اعضای شورای اجتماعی محله و پیمانکار طرح انجام شود. همچنین علاوه بر نظرسنجی از ساکنان محله نیازهای ساکنان در گام چهارم را در این طرح جزو اولویت ها قرار دهند.

روشنایی بوستان کوهسنگی

تغییر و تحول در سیستم روشنایی بوستان های منطقه ۸ به ویژه بوستان کوهسنگی خطر برق گرفتگی را کاهش داده است. در این تحول عظیم جریان برق از AC به DC تغییر کرده و سبب شده تا در این شبکه ها از لامپ های LED بهره برداری شود. بر همین اساس امسال ۴ پروژه تأسیسات برقی با اعتباری حدود ۲ و نیم میلیارد تومان در بوستان کوهسنگی در حال اجراست.

کاشت گل های تابستانی

با هدف طراوت بخشیدن و زیباسازی در معابر، پارک ها و میدان های منطقه ۸ عملیات کاشت ۱۱۰ هزار گل تابستانی در طرح های مختلف و متنوع توسط واحد فضای سبز منطقه ۸ اجرا شده است. کاشت گل و گیاه، هرس، سم پاشی و آفت زایی درختان، ایجاد و اصلاح آب خورد درختان، چمن زنی و علف زنی در راستای سامان دهی و آماده سازی بوستان ها و فضای سبز این منطقه است.

رئیس اداره نام گذاری معابر و تابلو نویسی از تغییر نام های معابر منطقه خبر داد

در دسر نام های مشابه برای مردم و ادارها



سمیرا منشادی | آدرس های مشابه گاهی شهروندان و حتی سازمان های خدماتی را هم به اشتباه می اندازد و سبب می شود به مقصدی که می خواهند نرسند. مشکلی که رئیس اداره نام گذاری معابر و تابلو نویسی رفع آن را در تغییر نام های مشابه معابر می داند و می گوید: ۹۰ معبر شهری با ۳۳ عنوان مشابه وجود دارد که برای رفع این مشکل به زودی تغییر نام هایی خواهند داد. ناهید فریدنیادریاره تغییر نام خیابان های منطقه ۷ که برخی از آن ها به درخواست مردم بوده

است می گوید: در حال حاضر معبر و میدان انتهایی بولوار شهید صدر حد فاصل بولوار چمن تا بزرگراه بسیج به نام «برادران شهید سلطانی» که ۳ برادر شهید هستند تغییر نام پیدا کرده و تابلوهای این معابر نیز نصب شده است. وی همچنین از تغییر نام بولوار سردخانه به بولوار «شهید فخری زاده» خبر می دهد و بیان می کند: بولوار سردخانه نامی بود که خود مردم برای این بولوار انتخاب کرده بودند و نام مصوبی نداشت. علاوه بر بولوار سردخانه، معبر فرعی «بزرگمهر» در

محله پروین اعتصامی به «برزویه طیب» «خیابان قائم (عج)» در محله سیدی به «سراج» که از القاب حضرت مهدی (عج) است تغییر نام پیدا خواهند کرد. فریدنیادریاره سایر نام های معابر همنام در منطقه که نام های آن ها مصوبه گرفته اند و به زودی تغییر می کنند، می افزاید: معبر فرعی «نسترن» باز بنویس فدائیان اسلام ۱۴ به «نسرین»، «ولی عصر (عج)» شهرک طرق به «ولی عصر (عج)» و معبر فرعی «هدایت» باز بنویس فدائیان اسلام ۱۸ به «هدی» تغییر نام پیدا

خواهند کرد. فریدنیادریاره بیان می کند: این معابر مصوبه گرفته اند و تا پایان تابستان تابلوهای معابرشان آماده و نصب خواهد شد. البته برخی دیگر از معابر منطقه مانند پروین اعتصامی واقع در فدائیان ۲۳ در بولوار جمهوری، صاحب الزمان (عج) واقع در خیابان شهید ساعی ۴۵ در شهرک طرق، شهرک ابودر و بولوار مهدی واقع در ابتدای کوی سیدی نیز معابر همنام در شهر دارند که هنوز برای تغییر نام هایشان مصوبه ای گرفته نشده است.

منطقه ۲

جشنواره مردمی روز خبرنگار

فرابخوان جشنواره خبرنگار محترم

رشته های اصلی: **خبر، مصاحبه، گزارش، یادداشت، عکاسی، طراحی و کارگرافیک**

مسابقات و مقررات:

- مسابقات: مقاله نویسی، مصاحبه، گزارش، یادداشت، عکاسی، طراحی و کارگرافیک
- مسابقات: این جشنواره در تمام شهرستان های خراسان رضوی و مشهد برگزار می شود.
- مسابقات: در هر رشته مسابقات در سطح شهرستانی، استانی و کشوری برگزار می شود.
- مسابقات: در هر رشته مسابقات در سطح شهرستانی، استانی و کشوری برگزار می شود.
- مسابقات: در هر رشته مسابقات در سطح شهرستانی، استانی و کشوری برگزار می شود.

جوایز:

- جوایز: در هر رشته مسابقات در سطح شهرستانی، استانی و کشوری برگزار می شود.
- جوایز: در هر رشته مسابقات در سطح شهرستانی، استانی و کشوری برگزار می شود.
- جوایز: در هر رشته مسابقات در سطح شهرستانی، استانی و کشوری برگزار می شود.
- جوایز: در هر رشته مسابقات در سطح شهرستانی، استانی و کشوری برگزار می شود.

نحوه ثبت نام و ارسال آثار:

- نامی که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود، همان نامی است که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود.
- نامی که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود، همان نامی است که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود.
- نامی که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود، همان نامی است که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود.
- نامی که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود، همان نامی است که در کارت ورود به محل ثبت نام می شود.

زمان ارسال آثار: از تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ تا ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

آدرس: مشهد، خیابان آیت الله العظمی بروجردی، پلاک ۱۰، طبقه اول

تلفن: ۰۵۱-۲۲۲۲۲۲۲۲

ایمیل: shahrarnews@gmail.com

وبسایت: shahrarnews.ir

کانال تلگرام: shahrarnews

نخستین جشنواره خبرنگار محله، در آستانه سالروز شهادت محمود صارمی و روز خبرنگار در مشهد کلید خورد. فرهنگ سرای فناوری و رسانه شهرداری مشهد با همکاری خانه مطبوعات و رسانه های استان خراسان رضوی و مؤسسه فرهنگی شهر آرا به برگزاری نخستین جشنواره خبرنگار محله در مشهد اقدام کرد. معاون فرهنگی و هنری سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد افزود: علاقه مندان به شرکت در این جشنواره می توانند در حوزه های خبر، مصاحبه، گزارش، یادداشت، عکس و طراحی و کارگرافیک، آثار خود را به نشانی دبیرخانه در بولوار هفت تیر، انتهای پارک لاله، فرهنگ سرای فناوری و رسانه یا کانال ارتباطی @ctm_resane در شبکه اجتماعی ایتا ارسال کنند. همچنین ضروری است همه آثار، تولیدی بوده و پیش از این در هیچ رسانه ای منتشر نشده باشد. به گفته اسماعیل زاده، زمان ارسال آثار تا ۱۰ مرداد ۱۴۰۱ تعیین شده است و به برگزیدگان این جشنواره، جوایز نفیس نقدی و غیر نقدی تعلق می گیرد.

یوسف اسماعیل زاده افزود: موضوعات این جشنواره حول محورهای زیارت و آداب میزبانی، هویت شهر مشهد، مانند مفاخر و چهره های اثرگذار شهر، آب و هوا، محلات، فرهنگ شهروندی، مسائل شهری،



ناگفته‌های عملیات مرصاد از زبان سیدعلی حیدری رزمنده دیروز

حماسه نیمروز

منطقه



سپهرامشادی (لایه‌ای از دود و آتش شهر اسلام آباد غرب را در خودش گرفته بود. عملیات به طور تقریبی ساعت ۲ و نیم سه شروع شد. حدود ۲ ساعت پیاپی صدای گلوله و انفجاری بود که از شهر به گوش می‌رسید. هوا که گرگ‌ومیش شد پیاده‌سوار به سمت این شهر راه افتادیم تا ببینیم از منافقین آثاری مانده است یا نه؟ این بخشی از صحبت‌های سیدعلی حیدری، پاسدار دیروز و بازنشسته شرکت قطار شهری امروز است که ۳۳ سال قبل در چنین روزهایی در عملیات مرصاد شرکت داشته است. عملیاتی که فقط ۶ روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران اتفاق افتاد. نیروهای عراقی توافقات را زیر پا گذاشتند و دوباره به سمت جنوب حمله کردند تا راه نفوذی برای ارتش مجاهدین خلق باز کنند. البته حیدری فقط در عملیات مرصاد شرکت نکرده بلکه از سال ۶۱ تا ۶۷ در منطقه جنگی بوده و در بسیاری از عملیات‌ها حضور داشته است.



● متولد سال ۴۷ هستم، اما بگو بید ۴۴

متولد سال ۱۳۴۷ در محله سمزقند است. اما مانند تمام پسران نوجوان آن دهه که عشق رفتن به جبهه و دفاع از کشورشان را داشتند با راهنمایی یکی از دوستانش تاریخ تولدش را به سال ۴۴ تغییر می‌دهد و کپی شناسنامه‌اش را به بسیج مسجد محله‌شان می‌برد. پدر و مادرش هم از اینک‌ها و به جبهه برود رضایت داشته‌اند. اومی گوید: «سال ۶۱ فقط ۱۴ سالم بود. عاشق این بودم که به جبهه بروم. تصور نمی‌کردم که کسی متوجه بشود تاریخ شناسنامه‌ام را تغییر داده‌ام. اما این کار من آن قدر ناشیانه بود که بانگاه اول فهمیدند. در هر صورت با اصرار من قبول کردند و برای آموزش به بیرجند، تیپ ۱۸ جواد الائمه، گردان ولی‌ا... فرستادند. او به عنوان تک‌تیرانداز راهی جنوب کشور می‌شود. در عملیات والفجر مقدماتی، والفجر یک شرکت می‌کند و از ناحیه دست مجروح می‌شود. مدتی برای درمان به مشهد می‌آید. همان طور که سرش پایین است و ماجراهای دیروز زندگی‌اش را با تقسیم می‌کند گویی یاد خاطره‌ای می‌افتد. می‌خندند و بر ایمان تعریف می‌کند: «سپاه گفته بود که مدار کت را بیاور تا استخدام بشوی. هنگامی که به پدرم گفتم او گفت با این کاری که انجام دادی نه تنها استخدام نمی‌کنند بلکه به جرم دست بردن در شناسنامه‌ات جریمه‌ات هم می‌کنند. با مشورتی که از دوستان گرفتیم به همراه پدرم برای گواه رشد به دادگاه رفتیم. شناسنامه‌ام را به سال ۴۴ تغییر دادند. از آن زمان خودم را متولد ۴۴ می‌دانم. بدین ترتیب دی سال ۶۲ لباس پاسداری به تن می‌کنم و به عنوان سپاهی به جبهه می‌روم.»

● رؤیایی که صدام به گور برد

از اومی خواهیم که ابتدا به سراغ خاطره‌هایش از عملیات مرصاد برود. عملیاتی هر چند کوتاه، اما شنیده‌ها حاکی از آن است که منافقین در قساوت سنگ تمام گذاشته‌اند. حیدری می‌گوید: «در آن زمان نمی‌دانستیم توهمات صدام برای رسیدن به تهران تا کی ادامه خواهد داشت. رؤیایی که بالأخره با خودش به گور برد. هر چند وقت یکبار به تلویزیون عراق می‌رفت و می‌گفت فلان تاریخ تهران هستم. تیرماه ۱۳۶۷ نیز صدام حسین در یک سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد: «... بعد از مدتی خواهید دید که چگونه مجاهدین خلق به اعماق خاک خودشان نفوذ خواهند کرد و همین طور پیوستن مردم ایران به صفوف آن‌ها را خواهید دید.»

آن طور که بر ایمان تعریف می‌کند هنگامی که قطعنامه پذیرفته می‌شود در دبیرخانه ستاد در ایلام، یادگان امام رضا (ع) مشغول به خدمت بوده است. آن روزها که قطعنامه پذیرفته شده به دلیل حمله‌های عراق بیشتر نیروها به سمت جنوب رفته بودند. حیدری می‌گوید: «از سپاه ایلام فکسی رسید که منافقین از سمت غرب وارد شده‌اند و می‌خواهند به سمت تهران بروند. هنگامی که این خبر را خواندم خنده‌ام گرفت. زیرا منافقین را این حد و اندازه نمی‌دیدیم که بخوانند تهران را بگیرند. با شهید محمد جواد مهدیان پور که فرمانده لشکرمان بود و رفته بود جنوب تماس گرفتیم و خبر دادیم. او هم گفت نیروهایی را که داریم بردارید و به سپاه ایلام بروید. مادر یادگان ۴۰ نفری فقط ۱۰ تا ۱۵ نیروی آموزش دیده بودند. مابقی تدارکات، آشپز، راننده و... با همان نیروهای اندک به سپاه ایلام رفتیم. آن‌ها تصور کرده بودند که ما الان بایک لشکر می‌رویم. اما توضیح دادم که همه رفته‌اند



منافقین
سنگدل
برای رسیدن
به هدف خود به
هیچ کس رحم
نکرده و مردم
بی‌گناه و سربازان
را تیرباران
کرده بودند

#عملیات_مرصاد_و_خشکی_گری_منافقین



دره. او هم گفت ما رابه سلامت برسان یا بپایین. باشه قبولی. اما موقع اعلام نتایج مسئول هم به دلیل اینکه اذیت او را تلافی کند اسمش رابه عنوان آخرین نفر می خواند. او در این عملیات مجروح و برای درمان راهی مشهد می شود.

● مجروحیت مانع از جبهه رفتن نشد

این رزمنده در عملیات بدر، عملیات عاشورا یا همان میمک هم شرکت داشته است. در عملیات عاشورا اعصاب پایش آن قدر جراحی می بیند که کمیسیون پزشکی او را معاف از رزم می کند. اما به قول خودش نه تنها او که همه رزمندگان گوششان به حرف های کمیسیون پزشکی نبوده که بخواهند به توصیه معافیت آن ها به جبهه نروند.

در همین مدتی که او مجروح بوده برادر کوچک ترش سید محسن هم مفقود الاثر می شود. برادر بزرگ ترش هم در جبهه حضور داشته. به گفته خودش گاهی هر ۳ مرد خانه به طور هم زمان یا ۲ نفر با هم در جبهه بودند.

مادر سید علی که کمی بیندپسرش بازم هوای رفتن به سردار داد. سال ۶۵ آستین برای او بالای می زند و دامادش می کند. در این زمان سید علی در فرودگاه مشهد کار می کرده. اما با همسر آینده و خانواده همسرش اتمام حجت می کند که در صورت بهبودی راهی جبهه شود. بعد از اینکه همسرش رابه خانه می آورد یعنی سال ۶۶ دوباره راهی جبهه می شود و تا آخرین روزهای جنگ حضور دارد.

خانه همسایه مان مخابرات بود

همواره صحبت از جنگ و رشادت های رزمندگان کرده ایم اما کمتر به عقبه جنگ و همدلی های مردمی اشاره داشته ایم. در این زمینه حیدری خاطره شیرینی دارد. او بر ایمان تعریف می کند: «۲ تا خانه از ما آن طرف تر خانه آقای ظهوریانی بود که تلفن داشت. همسر و ۳ دخترش نقش کبوترهای خبررسان را داشتند. به محض اینکه رزمنده ای تماس می گرفت آن ها چادرهای رنگی شان را سر می کردند و سبک تر از یک پرنده به مادر رزمنده خبر می دادند. حتی گاهی تا ۲ تا کوچه آن طرف تر هم می رفتند. حیاط خانه آقای ظهوریان همواره پر از مادران و همسرانی بود که منتظر تماس همسر یا فرزندشان بودند. این مادر و ۳ دختر با آب، چای و شربت از مهمان ها پذیرایی می کردند. به تبع بانو ظهوریان از همه اخبار محله و رزمنده ها باخبر بود. بانوان هم تا زمانی که عزیزشان تماس بگیرد برای رزمندگان کمپوت، مربا و... تهیه و بسته بندی می کردند. هر زمان که مجروح می شدم و در خانه استراحت می کردم می دیدم این خانواده چطور در تمام طول روز با خوشرویی به خانواده رزمندگان خدمت می کنند. آن روزی که تماس گرفتم تا خبر سلامتی ام را بدهم هیچ گاه فراموش نمی کنم. تا گفتم سید علی پسر طاهره هستم، خانم ظهوریان داد می زد سید علی زنده است، سید علی زنده است. به دختر هایش می گفت بروید به طاهره خانم بگویید بیاید که سید علی اش زنده است. من هم آن طرف خط می خندیدم که مگر قرار بوده شهید بشوم.» آن روزها همسایه ها حتی اگر خودشان رزمنده ای نداشتند اما تلاش می کردند که به خانواده رزمندگان خدمت کنند. آن روزها که چندان دور نیست همدلی ها پررنگ تر از امروز بود.

می دهد فردا مرید پیدا کند. روز بعد که با او صحبت می کردم موضوع را گفت و با خانواده ام تماس گرفتم و خبر سلامتی ام را به آن ها دادم. آن روزها که منافقین نتوانسته بودند در جبهه با رزمندگان ما رو در رو بجنگند. جنگ روانی را با خانواده رزمندگان شروع کرده بودند. البته باز هم آن ها بازنده جنگ روانی شدند.

● یا اطلاعات عملیات یا راننده توپ یا مشهد

حالا که خاطره های عملیات مرصاد را بر ایمان تعریف می کند آن قدر توصیفاتش زنده است که ما هم خودمان را در آن صحنه ها حاضر می بینیم. انگار فیلم سینمایی را در حال تماشا هستیم صحنه به صحنه جلوی چشمان ما جان می گیرد.

نمی خواهیم که گفت و گوی مان تنها به این موضوع پایان پیدا کند به همین دلیل از او می خواهیم که خاطره های بیشتری را با ما به اشتراک بگذارد. او بعد از اولین دوره برگشت از مرخصی اش به واحد اطلاعات عملیات تیپ ۲۱ امام رضا (ع) می پیوندد. اما این رفتن هم داستان شیرینی دارد که خواندنش خالی از لطف نیست. او از آن روز این گونه یاد می کند: «همه را تقسیم کردند تا به من رسید. گفتند امداد گر، بهداری. گفتم نمی روم. از مسئولان اصرار واز من انکار. به آن ها گفتم یا اطلاعات عملیات یا راننده توپ یا ۱۰۶ یا سومی نداشتم که بگویم. اما فرمانده گفت سومین گزینه ات چیست؟ گفتم یا مشهد. گفت همان سومی خوب است. برو کنار تا بفرستمش.»

او که نمی خواسته از حرفش کوتاه بیاید چند ساعتی را منتظر می نشیند تا کار تقسیم سایر رزمنده ها تمام شود. پیگیر که می شود به او می گویند به کانسکی که فرماندهان آنجا بودند برو. همه فرماندهان می خواستند بدانند این جوانی که تعیین تکلیف کرده کیست. بالآخره او با سابقه اش به عنوان تک تیرانداز می تواند فرماندهان را قانع کند که همان اطلاعات عملیات خدمت کند. ابتدا برای آموزش های تخصصی او رابه تهران می فرستند. بعد از برگشت در عملیات الفجر ۳ پیک گردان می شود. آنجا هم برای مسئولی که امتحان موتورسواری می گرفته خط و نشان می کشد. باز هم لبش به خنده باز می شود و می گوید: «۹ نفر پیک گردان می خواستند و کلی درخواست کننده داشت. مسئول امتحان فریدون حسین زاده پشت سرم نشست و از سر بالای تپه ای بالا رفتیم. گفتم برادر اهل کجایی، گفت مشهد محله رضا شهر، گفتم همشهری قبول کن. او جواب نداد، گفتم یا قبول می کنی یا از همین جادو تابی می رویم ته

ادای دین به این شهید

حسین مزبانی و محمدرضا حسین پور ۲ شهیدی هستند که هنوز اشک را به چشمان هم رزمشان می آورند. حیدری می گوید: «با حسین آن قدر صمیمی بودم که در عید غدیر سال ۶۲ در جبهه دست برادری با هم دادیم. او از نظر خصوصیات اخلاقی روی من تاثیر بسیار زیادی گذاشته. او توسط منافقین در سال ۱۳۶۹ ترور شد. در سبزوار که زادگاهش بود به خاک سپردند. هنوزم سر مزارش می روم و همیشه با او صحبت می کنم. نمی توانم دوری اش را باور کنم.» یکی دیگر از شهدا که با او ارتباط عاطفی بسیار شدیدی داشته شهید محمدرضا حسین پور بوده است. با بعضی می گوید: «هر زمان که مجروح می شدم و محمدرضا مرخصی می آمد صبح تا شبش را در کنارم می گذراند. پیاده یا با موتور به حرم و گاهی بوستان ملت می رفتیم. نوروز ۶۵ که همسرم را عقد کردم با همان کت و شلوار سرعقد راهی بهشت رضا (ع) شدیم. ناگهان چشمم به حجله ای که تازه زده بودند افتاد. تا عکس محمدرضا را دیدم از هوش رفتم. بعد که به هوش آمدم همسرم و اطرافیان فکر کردند به دلیل مجروحیت بی هوش شده ام. به هم رزمانم گفتم چرا نگفتید که محمدرضا شهید شده؟ آن ها گفتند می دانستیم که در حال دامادی هستی و می دانستیم که اگر بشنوی داماد نمی شوی. برای همین تصمیم گرفتیم که به تو نگویم.» او در حالی که دست هایش را جلوی صورتش گرفته تا اشک هایش را پنهان کند می گوید: «اگر می فهمیدم از دو اجسم را دست کم به یک سال آینده موقوف می کردم.» حسین پور در عملیات کربلای ۵ به فیض شهادت نایل شده است. روح همه شهدا قرین رحمت.

جنوب. او با حکم مأموریتی که از سپاه ایلام می گیرد برای جمع کردن اطلاعات همراه نیرو هایش به سمت اسلام آباد می روند. چند درگیری مختصر در روستاهای اطراف با عراقی ها پیدا می کنند و در نهایت به ایلام برمی گردند و گزارش درگیری هار می دهند. در نهایت به او می گویند به سمت اسلام آباد غرب بروید که منافقین به این شهر وارد شده اند.

● به هیچ کس رحم نکردند

اومی گوید: یکی از خودروه های منافقین در تاریکی شب از شیب جاده ای که در آن کمین زده بودیم بالا آمد و همه شان را از بین بردیم. تقریباً ۴۸ ساعت قبل از عملیات بود و ما بالای سرمان صدای هلی بردار می شنیدیم اما نمی دیدمشان. او به همراه چند نفر دیگر برای شناسایی شهر اسلام آباد می روند. حیدری می گوید: «منافقین از هیچ جنایتی فروگذار نکردند. وضعیت غم انگیزی بود. منافقین سنگ دل برای رسیدن به هدف خود به هیچ کس رحم نکرده بودند. مردم بی گناه و سربازان را تیرباران یا حلق آویز کرده بودند. بیمارستان ارتش در اسلام آباد را هم به آتش کشیده بودند. به مسئولان گزارش دادیم که شهر از سکنه خالی است و اگر کسی هست منافقین هستند.»

حیدری بر خلاف میلش و با اصرار ما گوشه ای از این جنایت ها را بر ایمان تعریف می کند و می گوید: «وارد شهر که شدیم کودک، پیر و جوان را کشته بودند. گروهی از افراد از جمله کودکان را در نانوایی به صف کرده و به گبار بسته بودند و خون این عزیزان روی آردها پاشیده بود. مردی را دیدم که پشت خود را و آرایش نشسته بود. رفتیم جلو که به او بگویم حرکت کن. دیدم گلوله رابه شقیقه اش زده اند و در همان حالت مانده همسرش هم فوت کرده و افتاده روی پای شوهرش و فرزند خردسالش هم در عقب خود روفوت کرده است. شدت جنایت های منافقین آن قدر زیاد بود که هر بیننده ای را از نظر روحی و روانی تحت تاثیر قرار می داد.» انگار این صحنه ها مانند فیلمی در مقابل چشمانش قرار بگیرد لحظه ای سکوت می کند و ادامه می دهد: «وضعیتی نبود که بخواهم آن رابه تصویر بکشم و برایتان بگویم. فقط همین را بدانید. منافقین با آن همه تبلیغات، همین که پایشان به خاک ایران رسید، خوی و وحشیگری خودشان را نشان دادند و به همه یادآور شدند که دلسوز این مملکت و مردمش نیستند. اهداف سازمانشان برای آن ها اولویت دارد و بس.»

● امام (ره) حکم ارتداد منافقین را داد

این رزمنده غیور در ادامه صحبت هایش می گوید: «راستش ما از عملیات و اسم آن خبر نداشتم. فقط از طریق پیک هایی که می آمدند متوجه شدیم منافقین در چهار زبر کرمانشاه زمین گیر شده بودند. حالا که مطالب آن روزها را می خوانم متوجه می شوم که نیروهای ماهلی برد شده اند و دایره وار منافقین را محاصره کرده بودند.» حیدری شب عملیات را این گونه تعریف می کند: «لایه ای از دود و آتش شهر اسلام آباد غرب را در خودش گرفته بود. یک لحظه صدای گلوله و انفجار قطع نمی شد. عملیات به طور تقریبی ساعت ۲ و نیم سه شروع شد. حدود ۲ ساعتی گلوله ها و انفجاری بود که از شهر به گوش می رسید. هوا که گرگ و میش شد پیاده و سواره به سمت این شهر راه افتادیم تا ببینیم از منافقین آثاری مانده است یا نه؟» حیدری انگار که آن روزها دوباره برایش زنده شده و لحظه به لحظه اش را می بیند ادامه می دهد: «از طریق بی سیمی که داشتیم صدای منافقین را می شنیدیم که به سرانشان فحش می دادند و می گفتند شما به ما وعده تهران را داده بودید اما اینجا زمین گیر شده ایم. همه مان می میریم. از شنیدن این حرف هایشان که در موضع ضعف بودند خوشحال شدیم و قوت گرفتیم. بالآخره آتش تمام شد و به سوی اسلام آباد رفتیم. ما سواره بودیم و زود تر رسیدیم. منافقین طی ۴۸ ساعتی که شهر در تصرفشان بود از شهر چیزی باقی نگذاشته بودند. هر نوع جنایتی انجام داده بودند. از آتشی که دیشب توسط نیروهای خودی ریخته شده بود باقی مانده شان به درک واصل شده بودند.»

● منافقین به خانواده ام گفتند اسیر شده ام

حیدری به این بخش از صحبت هایش که می رسد اشاره می کند که منافقین از هیچ کاری دست بردار نبودند و برای تضعیف روحیه رزمندگان و خانواده هایشان تلاش می کردند: «قبل از عملیات به خانواده ام گفته بودند که اسیر شده ام.» اومی گوید: «آن ها خانواده رزمندگان را شناسایی می کردند و به سراغشان می رفتند و خبر اسارت یا شهادت را می دادند. خانواده من را هم شناسایی کرده بودند. بانوی محجبه ای که خود را فرستاده تعاون سپاه معرفی می کند به همسر می گوید، عملیاتی در غرب رخ داده و همسران اسیر شده است. به همسر که باردار بوده شوک وارد و حالش بد می شود. مادرم با خانم همسایه مان که همسرش در عقیدتی سیاسی سپاه بوده موضوع را مطرح می کند. حاج آقا مهربان به خانه مان می آید و به همسر و مادرم دلداری می دهد و می گوید تا جایی که خبر دارد عملیاتی در غرب اتفاق نیفتاده که بخواهد کسی اسیر یا شهید شود. قول

دکورا تور محله جنت در باره تأثیر این شغل بر فضاهای مختلف مسکونی و تجاری می گوید

کهنه بدهید، نو تحویل بگیرید



داشته باشید. این تفاوت سرمایه در نوع ارائه خدمات توسط دکورا تور هاست. البته این کار فقط به سرمایه بر نمی گردد. ذوق و سلیقه و علاقه به کار مهم است. برخلاف تصور برخی از مردم در قدیم از این مشاغل بیشتر استقبال می کردند. آن زمان اجناس ارزان بود و تمام خانه را تزئین می کردند، اما الان با شرایط اقتصادی پیش آمده یک نفر ممکن است فقط کاغذ دیواری کند یا پرده بزند یا پنل های چوبی بخواهد، البته برخی نیز سرمایه دارند و تمام تغییرات را انجام می دهند. اگر تخصص ها و توانایی های لازم را داشته باشید کار باشد در آمد خوب است و می توانید در این کار رشد کنید.

تخصصی آشنا باشند. در حدمعمل یک طراح تعدادی از ام دی اف کار و نجار (حداقل ۲ نفر) برای تشکیل یک گروه دکورا تور کفایت. اما برای کارهای تخصصی تر گروه گسترده تر خواهد شد. او با بیان این توضیحات ادامه می دهد: «زمانی از دکورا تورها کمک می گیرید که بخواهید محیطی را بازسازی کنید یا فضایی را برای یک کاربری خاص آماده کنید.»

کار با حداقل ۵۰ میلیون تومان

عبداللهی در گذشته با ۲۰۰ هزار تومان سرمایه کارش را شروع کرده و می گوید اگر بخواهید الان این کار را آغاز کنید حداقل باید ۵۰۰ واحد اکثر ۵۰۰ میلیون سرمایه

ساختمان را متناسب با کاربرد آن طراحی می کنیم. این ساختمان های می تواند منزل مسکونی، اداره ها و شرکت ها، هتل ها، رستوران ها یا مغازه ها باشند. کار ما حرفه ای چندوجهی است و بازاریابی و جذب مشتری، ملاقات با مشتری برای آگاهی از نیازها و نظراتش ایجاد طرح هایی مطابق با نیاز و بودجه مشتری و متناسب با ساختمان را در بر می گیرد. تأکید می کند: در کار ما نظر مشتری شرط است، اما به او پیشنهاد می دهیم چه رنگ و کدام دکور بیشتر به ساختمانش می آید.

خلاصیت حرف اول را می زند

هر حرفه ای توانایی های ویژه خودش را دارد و تا آن توانایی را نداشته باشد نمی تواند در بازار رقابت کند. بر کسی پوشیده نیست که کار در حوزه دکوراسیون علاوه بر تجربه و تخصص نیاز به ذهنی خلاق دارد. او با اشاره به این موضوع که یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در این کار خلاقیت است توضیح می دهد: «هرچه کارهای تک و زیبا انجام دهید بیشتر در کارتان صاحب برند می شوید و مشتری جذب می کنید. برای ارائه کار خوب باید ذهنی خلاق داشت تا در بازار رقابت کرد.»

تفاوت دکورا تور و طراح دکوراسیون

وقتی صحبت از طراحی فضا می شود، بیشتر بحث طراحی دکوراسیون به ذهن می رسد و کمتر کسی می داند که نام این حرفه دکورا تور است. تفاوت این حرفه در تحصیلات، هزینه و کار اجرایی است. طراح دکوراسیون طراحی می کند و از اشخاص مختلف می خواهد کار را انجام دهند و صرفاً ۱۰۰۰ چیدمان یک منزل را انجام می دهد. اما دکورا تورها افرادی هستند که تحصیلات تخصصی نیاز دارند و با برنامه افزارهای

صفائی طراحی داخلی و ساخت دکوراسیون یکی از مشاغل است که به تصویر برخی از مامنحصربه دهه های اخیر است، اما آن طور که «محمد حسن عبداللهی» از کارش می گوید این حرفه از دهه ۴۰ و قبل از آن هم وجود داشته و کاری بس قدیمی است که این روزها با نام «دکورا تور» می شناسند و برخی نیز آن را «طراحی دکوراسیون» می گویند.

بر دیوار بسیاری از خانه های قدیمی دکورهای چوبی خودنمایی می کند. درهای چوبی که تا شوباز می شدند یا کرکه ای مانند بودند و حال و پذیرایی را از هم جدا می کردند. اما امروز همان کارها را مدرن تر و با سبک و سیاقی متفاوت در خانه ها و محل های کسب و کار می بینیم که نشان می دهد نتیجه نبردهای متخصص و خلاق است. گاهی نیز خانه ای قدیمی را به طراحان دکوراسیون می سپارند و سپس از بازسازی خانه ای زیبا و مجلل و امروزی تحویل می گیرند. عبداللهی می گوید: «در گذشته تزئین و کار چوب خانه ها بیشتر با نئوپان و چوب بود. اما الان پی وی سی و ام دی اف جای نئوپان را گرفته است. در حال حاضر کار مادر زمینه ساخت درهای آکاردئونی، پاراوان، کاغذ دیواری، پرده، کرکه، قرنیز، پنل چوبی و... است.» می خندد و می گوید: «کهنه بدهید و نو تحویل بگیرید.» او که سال هاست در محله جنت مشغول به کار است توضیح می دهد: «بیشتر همکارانم در سنایاد کار می کنند و کارگاه هانیز در حاشیه شهر قرار دارد.» او که ۶۶ بهار از زندگی اش می گذرد از ۲۷ سالگی در این شغل مشغول به کار است. آن طور که خودش می گوید ۱۲ سال شاگردی کرده است تا استاد کار شده است. معتقد است هر چه بیشتر کار کنید بیشتر مهارت پیدا می کنید. عبداللهی توضیح می دهد: ما محیط داخلی یک

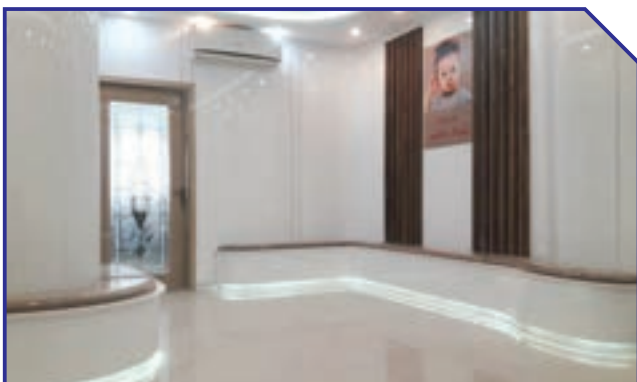
تکنولوژی به کمک کار می آید

قدیم با وسایل سبک و اصولا نجاری مانند اره، چکش، دلو و... تمام کارها انجام می شد، اما امروز با دستگاه هایی مانند CNC کارها انجام می شود و طبیعی است که باید در این حرفه به روز باشید. در گذشته باید چوب و نئوپان را با اره برش می دادید، اما امروز طرح را به دستگاه می دهید و خودش برایتان برش می زند. علاوه بر آن لوازم تزئینی که این روزها در بازار موجود است به کمک این کار آمده و فضایی زیباتر را می توان ایجاد کرد. اگر می خواهید در هر کاری موفق عمل کنید حضور در فضاهای مجازی مهم است، اما اکتفا به آن خطاست، چون در بین مردم ما به حد کافی فراگیر نشده است. همان طور که تکنولوژی به کمک کار ما آمده است خطراتی هم به دنبال دارد، مهم ترین خطر یک لحظه حواس پرتی در کار است که انگشتان دست با دستگاه قطع می شود یا ضربه می خورد.

این روزها داشتن سرمایه کفایت

عبداللهی درباره بازار کار این حرفه می گوید: «حداقل با ۲ سال شاگردی هم می توانید وارد این کار شوید، جوانان باید خودشان به سمت این حرفه بیایند و از روی عشق و علاقه کار کنند. اگر قرار باشد به اصرار دیگران وارد بازار کار شوند پیشرفتی نخواهند داشت. برخی از جوانان ما به دنبال راحتی و کار آسان هستند. این روزها با ایجاد شغل های مجازی جدید نه تنها جوانان علاقه ای به این حرفه ندارند، بلکه شناختی هم نسبت به آن ندارند. زمانی که این کار را شروع کردم فقط ۵ نفر در این حرفه در مشهد مشغول به کار بودیم و اکنون بیش از چند هزار نفر فعالیت می کنند. کار ما هم فروش است و هم نصب کار، در گذشته خودمان باید نجار توانمندی می بودیم و از کاغذ دیواری و نصب آن سررشته می داشتیم، اما اکنون داشتن سرمایه کفایت، فردی سرمایه دارد و تعدادی کارگر ماهر و نصاب را به کار می گیرد تا برایش کار کنند.»

هرچه کارهای تک و زیبا انجام دهید بیشتر در کارتان صاحب برند می شوید و مشتری جذب می کنید



مهدیار خورسندی کاپیتان تیم فوتسال «ملی پوشان صباي نوین» در محله کوشش است

از جام رمضان تا سکوی لیگ کشوری



امید
محله

سعید جلائیان ۹۲ جمعی از نوجوانان محله کوشش و دیگر نوجوانان ورزشکار محدوده بولوار فرودگاه در مسجد آل محمد (ع) تصمیم به تشکیل تیم فوتسال «ملی پوشان صباي نوین» برای حضور در مسابقات جام رمضان گرفتند. این تیم پس از جام رمضان همچنان به فعالیت خود ادامه داد و از محلات دیگر حاشیه شهر مانند طرق باز یکنانی به آن پیوستند. این تیم گام به گام از لیگ های مختلف صعود کرد و امروز مدعی صعود در فصل آینده لیگ دسته ۲ بزرگسالان کشور است. مهدیار خورسندی، با ۱۹ سال سن کاپیتان این روزه های تیم است. او یکی از افرادی است که با هدایت باز یکنان در زمین نقش پررنگی در موفقیت های تیم داشته است.

سال ۹۲ تیم ملی پوشان صباي نوین از نوجوانان زیر ۱۵ سال تشکیل شد. باز یکنان و کادرفنی این تیم هر طور که بود هزینه سالن های مختلف ورزشی را پرداخت کردند تا بتوانند با تمرینات سخت آمادگی خود را برای حضور در مسابقات افزایش دهند. امروز ۸ سال از شکل گیری این تیم می گذرد و آن ها تبدیل به باشگاهی شدند که از رده های سنی نوباوه تا بزرگسالان را تیم داری می کنند.

خورسندی و دوستانش سال ها با دست خالی توانستند افتخارات زیادی برای حاشیه شهر مشهد کسب کنند که بخشی از آن ها شامل عنوان دوم لیگ نوجوانان مشهد در سال ۹۲، قهرمانی لیگ دسته اول نوجوانان مشهد در سال ۹۴، مقام چهارمی نوجوانان و قهرمانی نوجوانان استان ۹۵، کسب عنوان قهرمانی بسیج نوجوانان استان در فصل ۹۸، مقام چهارمی در لیگ جوانان دسته ۲ کشور و حضور در جمع ۱۶ تیم پایانی لیگ دسته ۲ بزرگسالان کشور در سال ۹۹ و عناوین مختلف در مسابقات جام های محلات، رمضان و ولایت بود.

● از جام رمضان شهر تا لیگ های کشوری

خورسندی در باره چگونگی ورودش به دنیای فوتسال تعریف می کند: من از کودکی عاشق فوتبال و بازی با توپ بودم. همین دلیلی بود که خانواده وقتی فقط ۶ سال داشتم من را در یک مدرسه فوتبال به مدت ۳ سال ثبت نام کردند. در دوران تحصیل همیشه در تیم های فوتبال مدرسه بازی می کردم و عناوینی نیز در مسابقات ناحیه کسب کردیم تا اینکه اولین بار در ۱۲ سالگی با فوتسال آشنا شدم. سال ۹۲ من و گروهی از نوجوانان محله کوشش در مسجد آل محمد (ع) دور هم جمع شدیم و تصمیم به تشکیل یک تیم فوتسال برای بازی در جام رمضان گرفتیم. ما پول های خود را روی هم می گذاشتیم و برای تمرین به سالن های مختلف می رفتیم. بعد از این مسابقات تصمیم گرفتیم با کمک علیرضا قانعی خوشرو سرمربی تیم فعالیت خود را با خرید امتیاز لیگ دسته ۲ نوجوانان ادامه دهیم و به این ترتیب تیم ملی پوشان صباي نوین را شکل دادیم.

او در باره نقش خود در این تیم توضیح می دهد: «۶ سال اول در دروازه این تیم ایستادم تا اینکه از ۲ سال گذشته تصمیم به تغییر پست و ایستادن در رأس تیم گرفتم تا دروازه رقبای تیم را باز کنم. در سال نخست با همت و اراده خود موفق شدیم در رتبه دوم لیگ ۲ نوجوانان مشهد قرار بگیریم و از این لیگ به دسته یک نوجوانان راه پیدا کردیم. بعد از آن هم راه خود را ادامه دادیم تا اینکه امروز توانستیم با جوانان زیر ۲۱ سال در لیگ دسته ۲ بزرگسالان کشور حرفی برای گفتن داشته باشیم. ما از مرحله اول لیگ دسته ۲ صعود کردیم اما در نهایت با رفتن تعدادی از بازیکن ها به خدمت سربازی نتوانستیم از پس حریفان مطرحی که باز یکنان درجه یک کشور را در اختیار داشتند عبور کنیم.»

کرونا
زندگی

پاکبان محله بهشتی از روزه های کرونایی کارش می گوید

برخی به بیمار شدن ما دامن می زنند



● کار ما تعطیلی ندارد

ثنايي ادامه می دهد: در آن زمانی که همه به دلیل کرونا قرنطینه بودند، ما کارمان را مانند گذشته انجام می دادیم. شغل ما تعطیلی، عید و عزاداری نمی شناسد، بلکه به طور دقیق در همین روزها کارهایمان دوبرابر می شود.

این پاکبان زحمت کش از اینکه شهروندان در این روزهای کرونایی بهداشت را در دفع زباله های عفونی شان رعایت نمی کنند ناراحت است و می گوید: در این ۲ سالی که کرونا آمده علاوه بر سختی هایی که داشتیم ترس از ابتلای کرونا هم به آن اضافه شده است. ضد عفونی معابر، جمع کردن ماسک ها و دستکش های یک بار مصرفی که در همه جا را می شوند هم به کارمان اضافه شده است.

متأسفانه بسیاری از شهروندان ماسک و دستکش یک بار مصرف و دستمال کاغذی کثیف خود را روی زمین می اندازند. به نظرم آن ها بیشتر از خود و بیروس کرونا به انتشار آن کمک می کنند. در حالی که بارها از شهروندان خواسته شده ماسک استفاده شده شان را با رعایت اصول بهداشتی به داخل سطل زباله بیندازند اما توجه نمی کنند. تصور کنید ما هر روز با این زباله های خطرناک سروکار داریم. با آنکه برخی شهروندان کمتر اصول بهداشتی را رعایت می کنند، اما باید با در نظر گرفتن دستورالعمل های بهداشتی شهر را تمیز کنیم.

● تا کنون به کرونا مبتلا نشده ام

ثنايي هنگام کار از ۲ ماسک و دستکش استفاده می کند و از ضد عفونی کردن هم غافل نمی شود. او خانواده اش تا کنون به کرونا مبتلا نشده اند، اما ترس از ابتلا برایشان همواره وجود دارد. این پاکبان منطقه مان می گوید: همان سال اول هم سرم می گفت «کارت را رها کن. آخر به این بیماری مبتلا می شوی و ما را هم بیمار می کنی. اما کار ما دوست دارم و با عشق و علاقه آن را انجام می دهم. تلاش می کنم تا همه دستورات العمل های بهداشتی را رعایت کنم. کم نیستند از همکارانم که به کرونا مبتلا شده اند. به تازگی هم واکنس کرونارازده ام، امیدوارم که زودتر از شر این ویروس خلاص شویم.»

محلات منطقه ما:

۷: عنصری، ۱۷ شهریور، کوی کارگران، مقدم، کوشش، کوی پلایس، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، ولی عصر (عج)، عسکریه، انقلاب، بهارستان، ابوذر، قائم (عج)، ایوان، طرق

۸: سراب، جنت، ده دی، آیت ا... خامنه ای دانش، سلام، امام رضا (ع)، امام خمینی (ره) خرمشهر، بهشتی، کوهسنگی و آبادگران

دبیر شهرآرامحله: فاطمه خلخال استاد
 دبیر شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸: حمید صفائی
 تلفن شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸: ۳۳۴۴۱۱۷۴
 تلفن شهرآرامحله منطقه ۸: ۳۱۲۹۱۸۶۳

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹

دفتر منطقه ۷:

خیابان پروین اعتصامی ۱۸ - پست ساختمان شهرداری منطقه ۷

دفتر منطقه ۸:

کوهسنگی ۳۱ پارکینگ بوستان کوهسنگی چهارسوق هنر (سوق چهارم)

پست الکترونیک:

shahrara.ir@shahrara.ir - mahalle8@mahalley

کانال شهرآرامحله: @ShahraraMahaleh

دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir



خیابانی که پس از سیل ساخته شد

در دهه ۳۰ بازمی گردد. پس از تخریب تعدادی از منازل مسکونی در حاشیه کال به دستور مسئولان وقت کشور اراضی آستان قدس و شهرداری در این محدوده تفکیک می شود و رایگان در اختیار شهروندان آسیب دیده از سیل قرار می گیرد.

جلائیان - خیابان رازی غربی یکی از قدیمی ترین و پرترددترین معابر محله جنت به شمار می آید. این خیابان از میدان امام رضا (ع) آغاز و در میدان ده دی خاتمه پیدا می کند. شکل گیری این خیابان و ساخت منازل مسکونی در آن به وقوع سیل و سرریز آب از کال قره خان

خیابان رازی غربی

منطقه ۸ - محله جنت



مسجد و حسینیه قدس در خیابان رازی یادگار مرحوم حسین قدس روحانی، شیشه بر قدیمی این خیابان است که در سال ۱۳۹۵ احداث شد.



خیابان رازی به دلیل مجاورتش با بیمارستان امام رضا (ع) مورد توجه بسیاری از پزشکان و مراکز درمانی قرار گرفته است.



غلام رضا بازپاران یکی از قدیمی ترین کسبه خیابان رازی است. او از سال ۱۳۵۸ در این معبر به کار تزئینات داخلی منزل مشغول است.

بوستان رازی در سال ۱۳۸۴ توسط شهرداری مشهد در خیابان رازی بر روی کال قره خان احداث شده است.

